

The Necessity of Establishing an Islamic Political System in Quranic Teachings¹

Najaf Lakzaee¹  Reza Lakzaee² 

1. Professor, University of Baqir al-Olum, Qom, Iran.

Email: Nlakzaee@bou.ac.ir

2. Assistant Professor, Imam Sadiq Islamic Sciences Research Institute,
Qom, Iran (Corresponding Author).

Email: r.lakzaee@isri.ac.ir



Abstract

This article examines the necessity of establishing an Islamic political system based on five fundamental institutions: family, economy, health, education, and the state, within the framework of Quranic teachings. The findings show that the Holy Quran presents the Islamic state as the central institution that ensures the material and spiritual security of the other institutions. By referencing historical governments such as those of Talut and David, it demonstrates the necessity of religious governance in managing society. Employing inferential and indicative methods as defined in the science of *usul al-fiqh*, this study elaborates on the necessity of establishing an Islamic political system grounded in the Quran. Highlighting the role of political order in relation to foundational institutions, with particular emphasis on worldly and otherworldly

1. Lakzaee, N., & Lakzaee, R. (2023). The necessity of establishing an Islamic political system in Quranic teachings. *Journal of Jurisprudence and Politics*, 4(8), pp. 7-31.

<https://doi.org/10.22081/IJP.2025.72044.1076>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Specialized

▣ **Received:** 2025/06/02 • **Revised:** 2025/06/18 • **Accepted:** 2025/09/16 • **Published online:** 2025/10/13

security, and offering a new articulation of religion as a super-institution in relation to others, constitute the main innovations of this paper.

Keywords

Islamic political system, five institutions, religious governance, otherworldly security, Quranic teachings, Islamic political theory.



ضرورة إقامة النظام السياسي الإسلامي في التعاليم القرآنية^١

نجف لك زايي^١ رضا لك زايي^٢

١. أستاذ، جامعة باقر العلوم ع، قم، إيران.

Email: Nlakzaee@bou.ac.ir

٢. مدرس مساعد، معهد الإمام الصادق ع، العلوم الإسلامية قم، إيران (المؤلف المسنون).

Email: r.lakzaee@isri.ac.ir

المخلص

تبحث هذه المقالة ضرورة إنشاء وإقامة النظام السياسي الإسلامي بناءً على المؤسسات الخمسة المتمثلة في الأسرة، والاقتصاد، والصحة، والتعليم، والتربية، والحكومة، وفقاً لتعاليم القرآن. تشير النتائج إلى أن القرآن الكريم يُقدّم الدولة الإسلامية كمؤسسة محورية توفر الأمن المادي والمعنوي للمؤسسات الأخرى، وإذ يشير إلى الحكومات التاريخية مثل حكومة طالوت وداود، وغيرهما يثبت ضرورة الحكم الديني في إدارة المجتمع. وقد تم استخدام المنهج الاستنباطي والدلالي في هذه المقالة، اللذين تم توضيحهما في علم أصول الفقه، مع الاعتماد على آيات القرآن الكريم لشرح ضرورة إنشاء النظام السياسي الإسلامي. ومن أهم ما تناولته الدراسة الحالية: توضيح ضرورة النظام السياسي في ضوء المؤسسات الأساسية المبنية على التعاليم القرآنية، وبذل الاهتمام بشكل خاص لمفهوم الأمن الدنيوي والمعنوي، وتقديم تفسير جديد للعلاقة بين الدين كمؤسسة فوقية والمؤسسات الأخرى.

الكلمات المفتاحية

النظام السياسي الإسلامي، المؤسسات الخمسة، الحكومة الدينية، الأمن الآخروي، التعاليم القرآنية، النظرية السياسية الإسلامية.

١. الاستناد إلى هذه المقالة: لك زايي، نجف؛ لك زايي، رضا. (١٤٠٢). ضرورة إقامة النظام السياسي الإسلامي في التعاليم القرآنية. الفقه والسياسة، ٤(٨)، صص. ٣١-٧٠.

<https://doi.org/10.22081/IJP.2025.72044.1076>

□ نوع المقال: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٦/٠٢ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٦/١٨ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٩/١٦ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٠/١٣



ضرورت تأسیس نظام سیاسی اسلامی در آموزه‌های قرآنی^۱

id^۲ رضا لک زایی id^۱ نجف لک زایی

۱. استاد تمام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Nlakzaee@bou.ac.ir

۲. استادیار، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، قم، ایران.

Email: r.lakzaee@isri.ac.ir



چکیده

این مقاله ضرورت تأسیس نظام سیاسی اسلامی را براساس نهادهای پنجگانه شامل خانواده، اقتصاد، بهداشت، تعلیم و تربیت، و دولت براساس آموزه‌های قرآنی بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد قرآن کریم دولت اسلامی را به‌عنوان نهاد محوری تأمین‌کننده امنیت مادی و معنوی سایر نهادها معرفی کرده و با اشاره به حکومت‌های تاریخی مانند طالوت و داود و... لزوم حاکمیت دینی را در اداره جامعه اثبات می‌کند. این مقاله با استفاده از روش استنباطی و روش دلالت که در دانش اصول فقه تبیین شده، با تکیه بر آیات قرآن کریم به تشریح ضرورت تأسیس نظام سیاسی اسلامی پرداخته است. تبیین ضرورت نظام سیاسی با توجه به نهادهای اساسی براساس آموزه‌های قرآنی، و توجه ویژه به مفهوم امنیت دنیوی و اخروی و ارائه تقریری جدید از نسبت دین به‌عنوان فرانهاد با سایر نهادها، از نوآوری‌های مقاله حاضر به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها

نظام سیاسی اسلامی، نهادهای پنجگانه، حکومت دینی، امنیت اخروی، آموزه‌های قرآنی، نظریه سیاسی اسلام.

۱. **استاد به این مقاله:** لک‌زایی، نجف؛ لک‌زایی، رضا. (۱۴۰۲). ضرورت تأسیس نظام سیاسی اسلامی در آموزه‌های قرآنی. فقه و سیاست، ۴(۸)، صص ۷-۳۱.

<https://doi.org/10.22081/IJP.2025.72044.1076>

□ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

مقدمه

دولت در تفکر قرآنی و اسلامی یک سازه است، که با توجه به دستورات الهی شکل گرفته و امانتی الهی است که به عنوان ابزار برای اقامه حق شکل می‌گیرد. دولت اسلامی ضد دولت طاغوتی است و مهمترین وظیفه آن ناظر به مصالح مادی و معنوی مسلمان‌ها و متکی به هدایت الهی و اراده مردمی می‌باشد. بحث از ضرورت تأسیس نظام سیاسی که امام خمینی علیه السلام آن را در مباحث آغازین کتاب مهم ولایت فقیه (امام خمینی، ۱۳۹۰، ص ۲۵) و البیع (امام خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۲، ص ۶۶۵) خویش مطرح کرده، همچنان داغ و مورد توجه اندیشمندان و محققان است. استاد مطهری نیز در کتاب مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی (مطهری، ۱۴۰۱، ص ۱۱۶) به تبیین ضرورت و لزوم حکومت پرداخته است. ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت براساس آیات قرآن البته با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله) یکی از مقالاتی است که در این زمینه به بحث پرداخته و بیشتر رنگ و بوی انسان‌شناسانه دارد و حکومت را فطری انسان و به دلیل فطری بودن، تعطیل نشدنی می‌داند (یوسفی مقدم، ۱۴۰۰، صص ۱۲۷ - ۱۴۶). مقاله دیگری به بررسی پنج دیدگاه در زمینه ضرورت تأسیس حکومت اسلامی از منظر اهل سنت پرداخته (ذاکرحالی، ۱۳۷۷، صص ۵۷۵ - ۵۹۲) و ادله کلامی و قرآنی مطرح شده از سوی آنان را بررسی کرده است. علی اصغر نصرتی نیز در کتاب نظام سیاسی اسلام (نصرتی، ۱۳۸۳، صص ۱۲۹ - ۱۵۵) از ضرورت تأسیس نظام سیاسی دینی سخن گفته است. کتاب نظام سیاسی عبدالرحمن معتمی به این پرسش پاسخ داده که آیا در اسلام نظام حکم و دولت وجود دارد؟ و اگر وجود دارد حکم اقامه آن چیست؟ (معتمی، ۱۴۰۲، ص ۸۳) که به بحث ما نزدیک است. موسوی (۱۳۸۴) در کتاب نظام سیاسی و دولت در اسلام و جوان آراسته (۱۴۰۱) در کتاب نظام سیاسی در اسلام، نیز به ضرورت تأسیس نظام سیاسی توجه نشان داده‌اند. اما این آثار فارغ از نگاه سیستم به این بحث پرداخته‌اند که متمایز مقاله حاضر از آن آثار است. در این میان آثاری هم وجود دارد که به دنبال اثبات عدم الزام تشکیل حکومت دینی در اسلام است که «الإسلام وأصول الحکم»، به قلم علی عبدالرازق (۱۹۲۵) یکی از آنهاست.

مقاله حاضر با تمرکز بر نهادهای پنج گانه (خانواده، اقتصاد، بهداشت، تعلیم و تربیت، و دولت) و نقش آنها در تشکیل نظام سیاسی اسلامی، رویکردی جدید را ارائه می دهد که از نوآوری های این مقاله است. نوآوری دیگر، ارائه تقریر جدیدی از نسبت دین با سایر نهادهاست. در حالی که آثار پیشین بیشتر به مبانی نظری یا مقایسه دیدگاهها پرداخته اند، یا در خوشبینانه ترین حالت، منظر منسجم مقاله، در آن منابع به صورت پراکنده ارائه شده است.

رویکرد مقاله حاضر سیستمی است. براساس تحلیل سیستمی هر نظام سیاسی از دو بخش ساختار و کارکرد تشکیل شده است، در هر بخش به چهار پرسش پاسخ داده می شود که عبارتند از: ۱. دلایل ضرورت تأسیس نظام سیاسی اسلامی؛ ۲. مرزهای نظام سیاسی اسلامی؛ ۳. عنصر کلیدی نظام سیاسی اسلامی؛ ۴. شبکه قدرت؛ ۵. مرکز تصمیم گیری در نظام سیاسی اسلامی؛ ۶. حدود قلمرو و اختیارات در نظام سیاسی اسلامی؛ ۷. جریان قدرت در نظام سیاسی اسلامی؛ ۸. بازخورد (ر.ک: فیرحی، ۱۳۸۲). مقاله حاضر در صدد است با رویکردی نظام مند و مبتنی بر نهادهای اساسی، با استفاده از روش استنباطی و روش دلالت که در دانش منطق (طوسی، ۱۳۶۷، ص ۷) و دانش اصول فقه (عراقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۸۲) تبیین شده، ضرورت تأسیس نظام سیاسی را با تمرکز بر آیات قرآن کریم ارائه نماید؛ بنابراین در این مقاله فقط به پرسش اول از پرسش های هشت گانه تحلیل سیستمی می پردازیم و سایر پرسش ها را باید در مقالات دیگری ارائه کرد.^۱

جامعه شناسان معتقدند، بشر پنج نیاز اساسی دارد، که در صورت تأمین نشدنش بقای انسان به خطر می افتد. برای تأمین این نیازها، پنج نهاد که هر کدام کار ویژه ای دارد، شکل گرفته است. اولین نهاد، نهاد خانواده است و کار ویژه اش بقای نسل است. اگر این نهاد تشکیل نشود، بقای نسل آدمی دچار مشکل می شود. در هر جامعه ای از قدیم تا امروز این نهاد به اشکال مختلفی وجود داشته و خواهد داشت. نهاد دوم، نهاد اقتصاد

۱. این مقاله برگرفته از پروژه پژوهشی انجام شده در پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است. در این پروژه به هشت پرسش تحلیل سیستمی توجه شده است.

است که کار ویژه‌اش تأمین معیشت مردم است. نهاد بهداشت و طب، سومین نهاد می‌باشد و کار ویژه‌اش صیانت از سلامت انسان‌هاست. نهاد چهارم، نهاد تعلیم و تربیت است که کار ویژه آن، انتقال فرهنگ از نسل‌های گذشته به نسل‌های آینده است. پنجمین نهاد هم نهاد دولت است که کار ویژه آن تأمین امنیت برای چهار نهاد قبلی است. نهاد دولت، نهاد بزرگتری است و تأمین امنیت خانوادگی، بهداشتی، اقتصادی و فرهنگی را بر عهده دارد. البته این غیر از بحث امنیت مرزها در مقابل تهدیدات خارجی و نظم و انتظام داخلی و امنیت فردی است. نیاز به این پنج نهاد امری بدیهی است و کسی با آن مخالفت نکرده است و چند نفری هم که در تاریخ با نهاد خانواده یا دولت مخالفت کرده‌اند، مخالفت شان ثمری نداشته است.

۱. نهادهای اساسی

بقا، امنیت، سعادت، کمال و هدایت انسان و یا اجرای عدالت در جامعه، به نهادهای پنجگانه خانواده، اقتصاد، تعلیم و تربیت، بهداشت و حکومت وابسته است. هر کدام از این پنج نهاد اگر نباشد، تداوم زندگی برای بشر ممکن نیست و بقای او به خطر می‌افتد. هر اقدامی مانند اجرای عدالت و قسط یا تزکیه و تعلیم اگر بخواهد صورت بگیرد، باید از طریق یکی از این پنج نهاد باشد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۴). همان‌طور که گفته شد این مطلب بین فیلسوفان، جامعه‌شناسان و فقها اجماعی است. در کتاب‌های فقهی همه این پنج نهاد مورد بحث قرار گرفته است. از آنجا که قرآن کریم متکفل تبیین دین است. و دین سه بخش فقه، اخلاق و اعتقادات دارد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۳۸۴)، قرآن هم دارای همین سه بعد است (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۸)؛ بنابراین مسائل همه پنج نهاد در این سه بخش را پوشش می‌دهد که در ادامه تبیین خواهد شد.

با قرائتی که از دین هست، همه دستاوردهای بشری، مباحث تجربی و عبرت‌های تاریخی در آن به رسمیت شناخته شده است. در قرآن ماجرای دولت‌های خوب و بد، آورده شده تا از همه آنچه در گذشته اتفاق افتاده عبرت گرفته شود. و نیز توصیه شده «فَبِیْئُورُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران، ۱۳۷) مطالعه کنید و با

دستاوردهای سایرین آشنا شوید؛ بنابراین این بخش را هم برای همه باز می‌گذارد. یعنی در حوزه مباحث سیاست، اقتصاد، علم و فرهنگ، آن بخشی که ناظر دستاوردهای بشری است، می‌توان استفاده کرد و با فعال کردن تعقل که خدای متعال در قرآن، آن را تشویق کرده از تجارب بشری استفاده کرد.

قرآن کریم سیستم‌های پنج‌گانه کلان بشری را بدیهی فرض کرده، درباره آنها سخن گفته است. در اینجا به صورت مختصر اشاراتی به هر یک از این نهادها، در حد ارتباط آنها با حکومت، انجام می‌گیرد:

۱-۱. نهاد بهداشت

دلیل ضرورت نهاد بهداشت، تأمین سلامت جامعه در همه ابعاد است. در عرصه بهداشت و سلامت، بهداشت و سلامت ظاهری و باطنی که اوج آن تئوری سلامت دینی و بحث قلب سلیم است مطرح شده است و نیز به سلامت اخلاقی و سلامت روحی و روانی که بحث مهمی است می‌پردازد؛ یعنی در واقع در سه لایه بحث را مطرح می‌کند. مثلاً وقتی درباره قلب سلیم می‌فرماید «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء، ۸۹) قلب سلیم هم حوزه اعتقادات سالم و هم حوزه اخلاق سالم را در بر می‌گیرد. همچنین مباحث مربوط به فقه بهداشت، مثل طهارت و نجاست و امور پاک و نجس را تبیین می‌کند.

۱-۲. نهاد خانواده

دلیل ضرورت نهاد خانواده، تکثیر نسل و تولید مثل است. دین در عرصه خانواده از شکل‌گیری تا تداوم یا انحلال آن، احکام خاصی دارد و بخش عمده‌ای از آیات قرآن مربوط به این نهاد می‌شود. وجود نهاد خانواده را قرآن به‌عنوان پیش‌فرض در نظر گرفته، ولی هم چگونگی شکل‌گیری و تأسیس نهاد خانواده و هم نحوه فروپاشی آن را تبیین کرده و راجع به اینکه با چه کسی می‌توان ازدواج کرد و یا با چه کسی نمی‌توان ازدواج کرد و یا در صورت تصمیم به جدایی، درباره چگونگی آن، توصیه‌هایی دارد؛

به عبارت دیگر هم فرآیندها را گفته است که وقتی خانواده شکل گرفت زوجین چگونه باید با یکدیگر تعامل داشته باشند و حقوق زوجین نسبت به یکدیگر، حقوق فرزندان نسبت به والدین و والدین نسبت به فرزند را بیان کرده است.

در مورد خانواده آیاتی مانند: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ...» (بقره، ۲۲۱)؛ با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر اینکه ایمان بیاورند و یا آیه «وَإِنْ عَزَّمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۲۷)؛ که بحث طلاق را بیان می‌کند در ادامه می‌فرماید: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره، ۲۲۹)؛ یعنی اینها حدود خداست، پس از آنها تجاوز نکنید و کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند، آنان بی‌تردید ستمکارند. یا در آیه «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (بقره، ۲۳۳)؛ می‌فرماید: در خانواده هیچ‌کس حق ندارد به دیگری ضرر برساند، نه والدین به فرزندان و نه فرزندان به والدین. و همین‌گونه درباره بقیه اختلافات زناشویی که اتفاق می‌افتد، برای تعیین مرکز تصمیم‌گیری می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء، ۳۴)؛ مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنانند. و یا در آیات ابتدایی سوره نساء بحث چند همسری و شرایط آن بیان شده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعْوَلُوا» (نساء، ۳). در حوزه نهاد خانواده، مباحث اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی مربوط به خانواده را پوشش می‌دهد.

۱-۳. نهاد اقتصاد

دلیل ضرورت نهاد اقتصاد، تأمین معیشت انسان‌هاست (سوره بقره، آیه ۲۷۵). در حوزه نهاد اقتصاد، دین، کلیات مباحث مربوط به باورهای اقتصادی، اخلاق اقتصادی و فقه اقتصادی را بیان می‌کند. قرآن مباحثی مثل انفاق، صدقات، زکات، خمس، قرض‌الحسنه یا نهی از ربا و تحریم آن و حلال کردن بیع را ارائه داده است (سوره بقره، آیه ۲۷۵)؛ مثلاً آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء، ۵)؛ یعنی و اموالشان را که

خدا مایه قوام و برپایی [زندگی] شما گردانیده به سبک مغزان ندهید. و یا آیه « وَ آتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْحَيِّثَ بِالطَّبِيبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ » (نساء، ۲)؛ یعنی اموال یتیمان را [پس از احراز رشدشان] به آنان بدهید، و [اموال] پست و بی‌ارزش [خود] را با [اموال] مرغوب و با ارزش [آنان] عوض نکنید و اموالشان را با ضمیمه کردن به اموال خود نخورید. یا بحث « لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ » (نساء، ۲۹) که اشاره به ممنوعیت تصرف و تملک اموال دیگران با اسباب باطل دارد. یا بحث قرض الحسنه، یا انفاق و نذر و صدقه که در آیات ۲۶۲ تا ۲۷۰ سوره بقره بیان شده همچنین حکم حرمت ربا، مهلت به بدهکار، ثبت دیون و قرضی که به دیگران داده می‌شود.

خلاصه اینکه می‌توان انتظار داشت که قرآن کریم نظریه‌ای کلان در حوزه نظام سیاسی بیان کند ولی عهده‌دار بیان جزئیات نیست؛ بنابراین رویکرد فلسفه سیاسی بر این بحث غلبه دارد، چرا که فلسفه سیاسی چه در بخش آراء و حکمت نظری و چه در بخش افعال و حکمت عملی به کلیات نظر دارد. و طبیعتاً مسائل مربوط به مقتضیات زمان و مکان، با بهره‌گیری از تجارب بشری که متناسب با آن زمان و مکان است باید حل و فصل شود.

۴-۱. نهاد تعلیم و تربیت

دلیل ضرورت نهاد تعلیم و تربیت، انتقال فرهنگ است. دین اسلام از اساس و بنیاد مبتنی بر علم و فرهنگ و تزکیه و تعلیم است، به گونه‌ای که می‌توانیم بگوییم سیاست و اقتصاد اسلامی میوه‌های فرهنگ اسلامی هستند.

۵-۱. نهاد دولت

راجع به نهاد دولت که امنیت سایر نهادها را بر عهده دارد و موضوع اثر حاضر است، در ادامه بحث می‌شود.

۲. نسبت نهادهای اساسی با دین

در اندیشه اسلامی، دین نهادی در عرض نهادهای دیگر نیست، بلکه دین اسلام حالت فرا نهاد برای هر پنج نهاد مذکور را دارد. اگر این نهادها مطابق تعالیم قرآنی و اسلامی تأسیس شوند و بر همان مبنا ادامه حیات دهند، اسلامی و دینی می‌شوند. اما اگر براساس آموزه‌های بشری سامان و سازمان بیابند، سکولاریستی می‌شوند. این بحث، نشان می‌دهد که تأسیس نظام سیاسی با رویکرد اسلامی ضرورت دارد. نشان تفکر سکولار دو رویکرد دارد. رویکرد اول با دین ضدیت نمی‌کند و فقط آن را به کناری می‌نهد و دین را به‌عنوان نهاد ششم می‌پذیرد. با این توجیه که بالاخره انسان برخی نیازهای معنوی و عاطفی و حس پرستش دارد که این نهاد بخشی از این نیاز را تأمین می‌کند. البته نباید در آن پنج نهاد دخالت کند. برخی از کشورها مثل آذربایجان این مطلب را در قانون اساسی خود نیز منعکس کرده‌اند. رویکرد دوم مکاتب سکولار ضدیت با دین است و دین را به‌عنوان یک محتوای غیر قابل قبول می‌دانند و معتقدند که جامعه از وجود دین باید کلاً پاکسازی شود (ر.ک: مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۴، صص ۱۹۴ - ۱۹۸؛ جوادی آملی ۱۳۸۱؛ جعفری تبریزی، ۱۳۷۸؛ امید، ۱۳۹۴). شبیه سخن مارکسیست‌ها و برخی ملحدین که تندترین حرف‌ها را درباره دین می‌گویند و می‌نویسند.

از منظر قرآن، نهادهای پنجگانه با توجه به بقاء انسان‌ها دو نوع تصور می‌شود و به همین دلیل، حضور دین در هر پنج نهاد ضروری است (سوره بقره، آیه ۳۰). انسان هم بقای دنیوی دارد و هم بقای اخروی، بقای دنیوی محدود است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران، ۱۸۵) یا «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص، ۸۸) همه آنچه که در این عالم هست، عمر محدودی دارد، و روزی از بین می‌رود. بقای اخروی انسان همیشگی و جدی است، بنابراین اگر انسان خواهان بقای ابدی و سعادت قصوی است، باید حاکمیت دین را وارد صحنه زندگی خویش کند. در حوزه نهاد حکومت مسائل مربوط به اعتقادات و باورهای سیاسی چه تعبیر کلام سیاسی و چه تعبیر

فلسفه سیاسی از آن کنیم، و نیز مباحث مربوط به حوزه اخلاق سیاسی و فقه سیاسی را پوشش می‌دهد.

در آیات زیادی، از جمله آیات مربوط به ماجرای طالوت و جالوت از نهاد دولت سخن گفته شده است. قرآن راجع به بحث دولت‌سازی و فلسفه و ضرورت دولت دینی در این آیات می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ائِمِّنْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُنِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَ مَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَنْبَأَنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (بقره، ۲۴۶)؛ خداوند در این آیه می‌فرماید: گروهی از بنی‌اسرائیل نزد پیامبرشان آمدند و درخواست کردند که پادشاهی برایشان تعیین کند، تا در راه خدا جهاد کنند و در مقابل دشمنان به امنیت برسند. و در جواب پیغمبرشان درباره احتمال تخلفشان از نبرد، ادعا کردند هیچ چیزی مانع حضور ما برای جنگ در راه خدا نیست. زیرا از سرزمینمان اخراج و فرزندانمان را اسیر و از ما دور کرده‌اند. ولی متأسفانه وقتی پیامبرشان پادشاهی به نام طالوت برایشان تعیین کرد و فرمان جنگ داد، اکثریت آنها عقب‌نشینی کردند و عده کمی حاضر به مبارزه شدند.

قرآن کریم درباره منشاء مشروعیت دولت طالوت، می‌فرماید: «وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ كَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يَأْتِي مُلْكَةً مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۴۷) پیغمبرشان فرمود، خداوند طالوت را به‌عنوان پادشاه برای شما تعیین کرده است. به او گفتند، چگونه طالوت می‌تواند پادشاه ما باشد، در حالی که ما به پادشاهی سزاوارتریم. این سخن نشان می‌دهد که آنها انتظار داشتند پیامبر یکی از خودشان را به پادشاهی برگزیند اما پیامبر طبق وحی الهی طالوت را انتخاب کرد. اعتراض مهم آنها این بود که طالوت ثروتی ندارد. پیغمبر در جواب فرمود که خداوند جناب طالوت را به سبب بهره‌مندی از دو ویژگی علم و توانایی بدنی

برگزیده است، زیرا قرار بود که وی فرمانده جنگ باشد. ولی ورود در جنگ چون بدون تأسیس حکومت مقدور نیست، پیامبر به جای نصب فرمانده، فرمانروایی را برایشان تعیین کرد. این دو شرط از شرایط مهم کارگزاران دولت اسلامی است که قرآن به آن تصریح فرموده است.

یکی از وظایف دولت، تأمین امنیت با استفاده از قوای مختلف از جمله قوای نظامی است. در آیه بعد می‌فرماید: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۲۴۹) با اشاره به آماده شدن لشکر بنی اسرائیل برای جنگ می‌فرماید، اکثریت ایشان در شهر ماندند و فقط عده کمی همراه طالوت از شهر بیرون آمدند. وقتی لشکریان حرکت کردند و از شهر دور شدند، طالوت آنان را امتحان کرد و گفت، وقتی به آب رسیدید، هر یک می‌تواند حداکثر یک کف دست آب بنوشد. وقتی به آب رسیدند افراد زیادی بیش از مقدار تعیین شده آب نوشیدند و در آزمون مردود و البته عده کمی هم موفق شدند. از این تعداد قلیل هم وقتی در مقابل جالوت و سپاهیان قرار گرفتند، تعدادی اظهار عجز کرده و گفتند که ما نمی‌توانیم با آنها بجنگیم. اما برخی از آنها که یقین داشتند به ملاقات خدا خواهند رفت گفتند: ما می‌جنگیم. این گروه اندک مصمم و مؤمن و صابر توانستند، در مقابل گروه زیادی از لشکریان جالوت به اذن خداوند پیروز شوند. در آیه بعد خداوند می‌فرماید: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره، ۲۵۰-۲۵۱)؛ وقتی این عده در مقابل جالوت و سپاهش قرار گرفتند از خداوند خواستند، که پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز، و گام‌هایمان را استوار ساز، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان. پس

آنان را به توفیق خدا شکست دادند. داود علیه السلام که نوجوانی بود، جالوت را کشت. پس از این خدای متعال به وی پادشاهی و قدرت سیاسی و نیز حکمت داد. و آهن در دستانش نرم گردانید و صنعت زره سازی به وی تعلیم داده شد.

در ادامه فلسفه جنگ و مبارزه را متذکر شده و می‌فرماید: اگر کسانی نباشند که از حق دفاع و با کسانی که فساد را در زمین گسترش می‌دهند، مبارزه کنند، فساد همه جا را فرا می‌گیرد؛ و همین دلیل ضرورت تأسیس دولت دینی است. یعنی اگر دولت دینی تأسیس نشود، کسانی که دنبال باطل و فساد هستند، فساد را در همه جا گسترش می‌دهند؛ بنابراین رهبران الهی یا خودشان عهده‌دار حکومت می‌شوند، مثل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یا حضرت داود و سلیمان علیهما السلام یا کسی را در رأس حکومت می‌گمارند.

ممکن است گفته شود این آیه فقط ماجرای تاریخی را بیان می‌کند و ربطی به ضرورت تأسیس دولت دینی ندارد. باید گفت این نتیجه‌گیری از آیه بعدی استفاده می‌شود که می‌فرماید: «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِلُهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (بقره، ۲۵۲)؛ یعنی مطالبی که گفته شد، آیات الهی و نشانه‌های قدرت خداوند است و آنها را به همان شکلی که حق بود بر تو تلاوت کردیم و شما هم که پیغمبر و از مرسلین هستی، دولت تأسیس و با کسانی که در زمین فساد می‌کنند، مبارزه کن. «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتِ» (بقره، ۲۵۳)؛ هر چند که انبیای الهی دارای مراتب هستند و برخی را بر برخی دیگر برتری داده‌ایم.

در جای دیگر قرآن به ماجرای حضرت ابراهیم علیه السلام و نمرود پرداخته است که اگر از منظر سیاسی به آن نگاه شود، گفتگوی جالبی است. خداوند متعال می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بقره، ۲۵۸)؛ آیا ندیدی (و آگاهی نداری

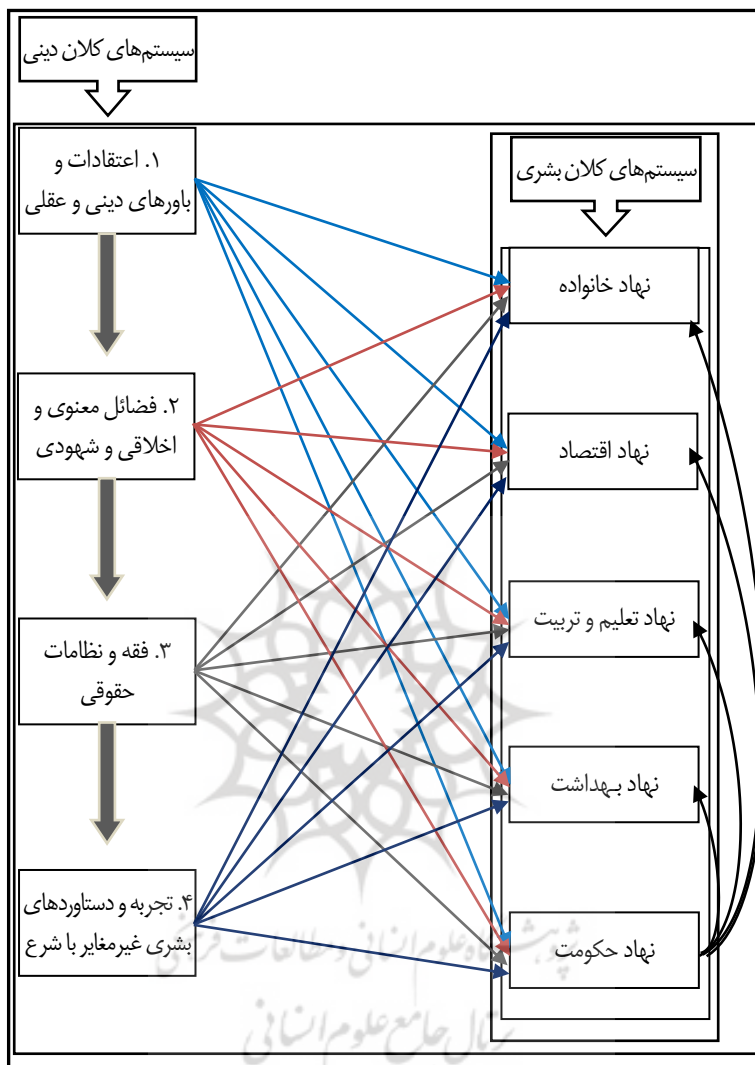
از کسی [نمرود] که با ابراهیم درباره پروردگارش محاجه و گفتگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود (و بر اثر کمی ظرفیت، از باده غرور سرمست شده بود) هنگامی که ابراهیم گفت: «خداى من آن كسى است كه زنده مى كند و مى میراند.» او گفت: «من نیز زنده مى كنم و مى میرانم!» ابراهیم گفت: "خداوند، خورشید را از افق مشرق می آورد، (اگر راست می گویی که حاکم بر جهان هستی تویی)، خورشید را از مغرب بیاور!" (در اینجا) آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی کند. این آیه، ماجرای احتجاج و مبارزه حضرت ابراهیم علیه السلام با نمرود و تلاش برای سلب قدرت از او را بیان می کند.

آیات دیگری نیز متضمن دلایل تأسیس دولت اسلامی است. از جمله آیه «...هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (فتح، ۲۸)؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد. یا آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵)؛ یعنی در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد یا آیه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (نساء، ۷۵)؛ یعنی چرا از مستضعفان یعنی مردان و زنان و کودکانی که به آنها ظلم می شود دفاع نمی کنید و در راه خدا قتال نمی نماید. روشن است که این قتال بدون وجود و ایجاد دولت قوی ممکن نیست. یا آیات ۱۹۲ تا ۱۹۵ سوره بقره که می فرماید: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ * الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ * وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۱۹۳-۱۹۵). یا آیه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» (مائده، ۶۸) که گفته شده مراد از «ما أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» قرآن است (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۵۹۰؛ ابن کثیر، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۱). در این

آیه به اهل کتاب یعنی یهود و مسیحیان و نیز مسلمانان توصیه می‌کند، اگر کتاب‌های آسمانی، تورات انجیل و قرآن را اقامه نکنید کسی نیستید. یا در آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال، ۲۴) یعنی ای اهل ایمان، چون خدا و رسول شما را به آنچه مایه حیات شماست دعوت کنند اجابت کنید. که مراد از حیات، حیات طیبه است، و برای رسیدن به آن باید دولت تشکیل داد. و یا آیه دیگری که خیلی مهم است آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ یعنی همان کسانی که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز می‌دارد؛ پاکیزه‌ها را برای آنها حلال می‌شمرد، و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد، در ادامه می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف، ۱۵۷ - ۱۵۸)؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را [در برابر دشمنان] حمایت کردند و یاریش دادند و از نوری که بر او نازل شده پیروی نمودند، اینان همان رستگارانند. بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست معبودی جز او نیست زنده می‌کند و می‌میراند پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد و از او پیروی کنید تا هدایت یابید!» که شاهد مثال عبارت «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» است. یا آیاتی که مشتمل بر عباراتی مثل «أَقِيمُوا الدِّينَ، وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَأَقِيمُوا الزُّكْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُحْسِرُوا الْمِيزَانَ» (رحمن، ۹)؛ هر چیزی را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید و در میزان هیچ کم فروشی و نادروستی

نکنید. یا این آیه: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)؛ یعنی ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. و یا آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا...» (مائده، ۸)؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. از همه مهمتر آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...» (بقره، ۲۱۳) یعنی مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. و چهار آیه که به بعثت پیامبر ﷺ اشاره دارد: کَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره، ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲). و یکی از آنها از زبان حضرت ابراهیم عليه السلام است: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره، ۱۲۹). و مشتمل بر عبارت «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» است و مهمترین کار رئیس دولت که در اینجا پیامبر عليه السلام است را تزکیه و تعلیم بیان می‌کند.

آیاتی که ذکر شد، عمدتاً ایجابی و بیانگر دولت‌های مطلوب بود. و ضرورت تأسیس دولت مطلوب را بیان می‌کرد. آیات دیگری هم هست که کارهای ناشایست دولت‌های طاغوتی و ضرورت ممانعت از انجام آنها را می‌گوید. از این آیات هم در زمره مباحث مربوط به ضرورت تأسیس دولت می‌توان استفاده کرد. آنچه گفتیم در شکل زیر قابل مشاهده است:



نمودار ۱: مناسبات دین و نهادهای اساسی

۳. فلسفه تأسیس دولت

مهمترین پاسخی که از قدیم الایام تا کنون درباره فلسفه تأسیس دولت یا کار ویژه آن گفته شده است، امنیت است. دولت تأسیس می‌شود تا امنیت را برای شهروندان برقرار

کند. و این را کسی، یا نهادی یا مجموعه دیگری نمی تواند به عهده بگیرد. همان طور که قبلاً گذشت نهادهای اساسی دیگر برای امنیت خودشان نیاز به دولت دارند، مانند نهاد اقتصاد که کار ویژه اش تأمین معیشت انسان ها است و برای امنیت خودش به دولت احتیاج دارد. و تأمین امنیت اقتصادی بر عهده دولت ها است. همچنین فرهنگ که کار ویژه اش انتقال عوامل بقاء عزتمند به نسل های جدید است. این فرهنگ برای امنیت خودش احتیاج به دولت دارد. بنابراین امنیت فرهنگی را دولت ها باید تأمین کنند. همچنین بهداشت که به عنوان مثال، وقتی جهان گرفتار ویروس کرونا بود، بیش از پیش روشن شد که امنیت بهداشتی را باید دولت ها تأمین کنند. زیرا مسائل بهداشتی دو نوع است گاهی فردی و گاهی هم از فرد به دیگران سرایت می کند و دیگران را تحت تأثیر قرار می دهد و از فعل فردی بودن خارج و فعل اجتماعی می شود. و به محض اینکه فعل اجتماعی شد با امنیت و سیاست و در نتیجه دولت گره می خورد. یا در بحث خانواده، امنیت خانوادگی در گرو اقدامات دولت است. یعنی دولت ها هستند که در مسائل ارث و یا در نسبت ها با تدابیری که می اندیشند، نسبت میان افراد و اینکه چه کسی به چه خانواده های منسوب است را حل می کنند. مخصوصاً در مواردی که ارث زیادی بر جای مانده است در این موارد دولت ها مستند به اسنادی که در تنظیم خانواده هاست برای حل مشکل ورود می کنند.

همان گونه که گذشت در قرآن کریم از دولت های مختلف سخن گفته شده است. مثل دولت حضرت سلیمان علیه السلام و دولت حضرت یوسف علیه السلام یا خود دولت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و یا دولت های طاغوتی مثل دولت نمرود، یا دولت فرعون و یا دولت یهود که چهار پیامبر الهی در آنجا درگیر می شوند. از حضرت موسی علیه السلام شروع می شود تا طالوت، حضرت داود علیه السلام و بعد هم حضرت سلیمان علیه السلام و یا دولت بلقیس در سرزمین سبأ، دولت ایران، دولت روم، دولت حبشه، دولت ابرهه، دولت روم در دوران اصحاب کهف.

درباره ضرورت تأسیس دولت، پاسخی که مشترک بین نظریه های قدیم و جدید است اینکه دولت عهده دار تأمین امنیت است. و کار ویژه آن تأمین امنیت می باشد. فقط

اختلافی که وجود دارد نسبت به ماهیت امنیت است. هر چند درباره امنیت دنیوی با همه اقسامش در میان نظریه پردازان دولت اتفاق نظر هست و همگی معتقدند که امنیت نظامی بر عهده دولت است، اما محدوده ورود دولت‌ها در امنیت اقتصادی یا امنیت فرهنگی یا امنیت اجتماعی و امنیت بهداشتی یا امنیت زیست محیطی اینها محل بحث و گفتگو است. در بعضی از مکاتب مثل مکاتب رئالیستی و نئورئالیستی بیشتر روی امنیت نظامی تأکید می‌شود و خیلی به امنیت‌های دیگر نمی‌پردازند. آنها را بیشتر در چهارچوب نظم و انضباط تعریف می‌کنند و معتقدند که دولت از آن حیث که باید بر اساس قانون نظم را در جامعه برقرار کند، می‌تواند نظم اقتصادی یا نظم بهداشتی را برقرار کند.

فلسفه دولت را از منظر چهره‌های دولت نیز می‌توان تبیین کرد. در ادامه توضیحاتی از همین منظر داده می‌شود. دولت، چهار چهره دارد: ۱. چهره امنیتی و پلیسی، ۲. چهره رفاهی، ۳. چهره ایدئولوژیک، ۴. چهره خصوصی. خلاصه و اجمال بحث درباره اولین سؤال از هشت سوالی که در نظریه‌های دولت، مطرح شد، ضرورت دولت طبق همه نظریه‌های دولت از جهت تأمین امنیت است. فرقی که نگاه قرآنی با نگاه سکولاریستی رایج دارد این است که امنیت، افزون بر بعد دنیوی بعد اخروی هم پیدا می‌کند. در همه نظریه‌های دولت رایج گفته می‌شود که دولت موظف است که امنیت دنیوی مردم خودش را چه در بعد امنیت عمومی یعنی پلیس و نیروی انتظامی و چه در بعد امنیت ملی یعنی ارتش و نهادهای اطلاعاتی و امثال اینها تأمین کند. اما در دولت اسلامی، بحث آخرت هم مطرح است؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه را به گونه‌ای باید اداره و تدبیر کند که مردم افزون بر امنیت و بقاء دنیوی از امنیت و بقای اخروی هم برخوردار باشند. در آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام، ۸۲؛ ر.ک: لک‌زایی، ۱۳۹۸)؛ یعنی آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، امنیت تنها برای آنهاست و آنها هدایت‌یافتگانند، به این مضمون اشاره دارد. یعنی ایمان به اضافه پرهیز از ظلم سبب ایجاد امنیت می‌شود. درباره کلمه «الامن»، برخی از مفسران فرموده‌اند، الف و لام آن برای استغراق است، بنابراین شامل امنیت

دنیوی و امنیت اخروی هر دو می شود (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۲۶، ص ۱۹۱).

آیات دیگری هم وجود دارد که ابعاد مختلف امنیت را توضیح می دهد. از جمله آیه «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ بِيَاغِعِكَ عَلَيَّ أَنْ لَا يَشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاشْتَعِفُو لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه، ۱۲) که عبارات «وَلَا يَسْرِقَنَّ» یعنی دزدی نکنند به حوزه امنیت اقتصادی، «وَلَا يَزْنِينَ» یعنی زنا نکنند به حوزه امنیت خانوادگی، «وَلَا يَقْتُلَنَّ» به معنای دیگران را نکشند، به حوزه امنیت جانی، «وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ» یعنی به یکدیگر تهمت نزنند. و «وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ» به معنای در هیچ کار پسندیده‌ای از تو ای پیامبر ﷺ سرپیچی نکنند، و حرف شنوی داشته باشند، به امنیت اجتماعی مربوط می شود.

آیات دیگری که به وصایای عشره، مشهور و معروف است «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَنْزُرُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمُ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَمُ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ» (انعام، ۱۵۱-۱۵۲) ای پیامبر ﷺ به مردم بگو - پیامبر ﷺ در اینجا به عنوان رئیس اول یا به تعبیر فلاسفه سیاسی به عنوان رئیس حکومت، فرض شده چون این سوره در مدینه نازل شده است - که بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام گردانیده است برایتان بخوانم.

۱- «أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا»؛ برای خدا هیچ شریکی قائل نشوید.

۲- «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛ با پدر و مادر خود به خوبی رفتار کنید.

۳- «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ»؛ فرزندان خود را از ترس گرسنگی نکشید. که درباره امنیت فردی و جانی است. زیرا نَحْنُ نَنْزُرُكُمْ وَإِيَّاهُمْ مَا، شما و آنها را روزی می دهیم.

۴- «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ»؛ و به کارهای زشت چه آشکار و چه

پنهانش نزدیک نشوید. این مربوط به حوزه امنیت اجتماعی است.

۵- «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»؛ و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق مثل قصاص یا مواردی که از نظر احکام الهی می شود قتل مجاز است، نکشید. اینجا دوباره مربوط به بحث امنیت جانی است.

۶- «وَلَا تُفْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ»؛ و به مال یتیم جز به روشی که نیکوتر است، نزدیک نشوید. این از نظر فصاحت و بلاغت خیلی مهم است. نمی گوید مال یتیم را نخورید. می گوید اصلاً نزدیک مال یتیم هم نشوید. مگر بخواهید، آن را تبدیل به احسن کنید. تا اینکه به سن بلوغ برسند. که مربوط به امنیت اقتصادی می شود.

۷ و ۸- «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی کیل و پیمانان پر و تمام و وزن و میزانتان هم براساس عدالت باشد. این مربوط به خدمات رفاهی و امور اقتصادی می شود. تأمین امنیت همه این موارد از وظایف حکومت است. مراد این است که این توصیه ها را به منزله قانون اساسی یا قانون عادی در نظر بگیرید. تا مردم به آن ملتزم باشند و دولت پیامبر ﷺ با استفاده از قدرت بر آنها نظارت کند.

۹- «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ»؛ یعنی هنگامی که سخن می گوید عدالت به ورزید، که طبیعتاً مراد صحبت و گفتگوی دوستانه بین دو نفر نیست، بلکه عام است. یعنی اگر قاضی هستید، وقتی حرفی می زنید، و حکمی صادر می کنید، به عدالت سخن بگویند. و حکم صادر کنید. یا اگر مأمور جمع آوری زکات هستید همین طور. و اگر گواه هستید، وقتی گواهی و شهادت می دهید، هر چند که علیه نزدیکانتان باشد، به عدالت شهادت دهید. که مربوط به بحث قضاوت است.

۱۰- «وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا»؛ به عهدی که با خداوند بسته اید وفا کنید. منظور از وفای به عهد با خداوند، عمل کردن به آن است.

در پایان نیز می فرماید: «ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ خداوند این موارد را بر شما واجب نموده و صرف توصیه نیست. و اگر دقت شود، همه سیاق امر و نهی دارند که دلالت بر وجوب و حرمت دارد.

نتیجه‌گیری

مسئله مقاله حاضر تبیین ضرورت نظام سیاسی اسلامی براساس نهادهای اساسی پنج‌گانه بود. نشان دادیم که چهار نهاد در تأمین امنیت خود به نهاد سیاست نیاز دارند. در تفکر قرآنی، امنیت دارای دو لایه دنیوی و اخروی است و از این رو امنیت متعالیه نامیده می‌شود، به همین دلیل، تأمین امنیت دنیوی و اخروی سایر نهادها را بر عهده دارد. دین فرا نهاد است و همه نهادها را تحت پوشش خود قرار می‌دهد؛ بنابراین وجود نظام سیاسی اسلامی نه تنها برای تأمین امنیت و عدالت در زندگی دنیوی ضروری است، بلکه به‌عنوان ابزاری برای هدایت انسان‌ها به سمت سعادت اخروی نیز عمل می‌کند. قرآن کریم با ارائه نمونه‌هایی از دولت‌های الهی و طاغوتی، لزوم تشکیل حکومتی مبتنی بر آموزه‌های دینی را تبیین می‌کند. این نظام با پوشش همه‌جانبه نیازهای بشری، قادر است جامعه‌ای متعادل و عادلانه ایجاد کند.

با توجه به آنچه آمد می‌توان گفت دلالت مطابقی چند آیه بر ضرورت دولت قوی‌تر از سایر آیات است از جمله آیه ۲۱۳ سوره بقره و آیات مربوط به فلسفه بعثت انبیا مانند: آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) آیه شریفه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (نساء، ۷۵)، آیات مربوط به جنگ و صلح که آیات زیادی هستند. و نیز آیه‌الکرسی، آیات ضلالت و هدایت و آیات مربوط به ارسال رسل، مفاد همه این آیات تأکید دارد که برای عمل به آموزه‌های دینی، نهادی به نام دولت و نظام سیاسی اسلامی باید وجود داشته باشد. برای تکمیل بحث شایسته است که محققان این حوزه آیات مربوط به تک تک دولت‌هایی که در قرآن کریم از آنها بحث شده مورد توجه و مذاقه قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود که محققان و پژوهشگران این عرصه، آیات ۲۳ تا ۴۰ سوره اسراء نیز که یک بسته از معروف و منکرها را بر شمرده از همین منظر تبیین نمایند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (بی تا). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیة
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۹۰). ولایت فقیه (چاپ بیست و چهارم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۳). آداب الصلوة (چاپ سوم) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۴۳۴ق). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). شرح چهل حدیث (چاپ پنجاه و یکم) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امیدی مهدی. (۱۳۹۴). چالش های فراروی جریان اسلام گرا در مواجهه با جریان سکولار در جهان عرب. فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی. ۱۲(۴۳) صص ۱۳۹-۱۵۸.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). نسبت دین و دنیا؛ بررسی و نقد نظریه سکولاریسم (تحقیق و تنظیم: علیرضا روغنی موفق، چاپ دوم). قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). تسنیم: تفسیر القرآن الکریم (تنظیم: حسین اشرفی، حیدرعلی ایوبی، ولی الله عیسی زاده، چاپ پنجم). قم: اسراء.
- جوان آراسته، حسین. (۱۴۰۱). نظام سیاسی در اسلام (چاپ دوم). قم: بوستان کتاب.
- ذاکرحالهی، غلامرضا. (۱۳۷۷). بررسی پنج دیدگاه در زمینه ضرورت تأسیس حکومت اسلامی: نظریه اهل سنت. در: گزیده مقالات دهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۳). قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

- طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد. (۱۳۶۷). اساس الاقتباس (مصحح: محمدتقی مدرس رضوی). تهران: دانشگاه تهران.
- عبدالرازق، علی. (۱۹۲۵). الإسلام وأصول الحكم: بحث فی الخلافة و الحكومة فی الإسلام. القاهرة: المطبعة المصرية.
- عراقی، ضیاءالدین. (۱۳۶۱). بدائع الفکار فی الأصول، (تقریرات میرزا هاشم آملی، ج ۱). نجف اشرف؛ المطبعة العلمیه.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: انتشارات سمت.
- لک‌زایی، نجف. (۱۳۹۸). امنیت متعالیه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۴۰۱). مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی. تهران: صدرا.
- معتصمی، عبدالرحمن. (۱۴۰۲). نظام سیاسی اسلام. تهران: احسان.
- مهدوی زادگان، داوود. (۱۳۸۴) بحران سکولاریسم در جهان اسلام، فصلنامه علوم سیاسی ۳۲(۸)، صص ۱۹۵ - ۲۰۰.
- موسوی، محمد. (۱۳۸۴). نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: دانشگاه پیام نور.
- نصرتی، علی‌اصغر. (۱۳۸۳). نظام سیاسی اسلام (ج ۱). قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران (نشر هاجر).
- جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۷۸). سکولاریسم یا حذف دین از زندگی دنیوی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام.
- یوسفی مقدم، محمدصادق. (۱۴۰۰). ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت براساس آیات قرآن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری. فصلنامه حکومت اسلامی، ۲۶(۴)، صص ۱۲۷-۱۴۶.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). جامعه و تاریخ از نگاه قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.